

تایخ مشروطیت ایران

۱۳

حضرات خیر خواهان و حرارت داران مملکت خرده خرده زمزمه مینمایند که اجرای مقاصد و مطالب ملت و مستدعیات علما چه شد . در اواخر ذیحجه من بنده جناب مشیرالدوله را ملاقات کردم و گفتم که هیچ آثاری از انجام مستدعیات علما و مردم ظاهر نیست . جناب عالی اجرای آنها را ضمانت فرمودید شایسته خواهد بود که در حضور آقایان مبارک ملوکانه یا دآوری فرمائید یکروز هم رفتم حضرت اتابک را ملاقات کرده گفتم هیچ در خیال انجام مقاصد مردم و آقایان نیستید . مردم ساکت نخواهند شد . اگر ضدیت با دولت بکنند در انظار خارجه بد است اگر مورد قهر و غضب دولت واقع شوند باز بد است . شایسته است که توجهی در اصلاح امور فرمائید . فرمودند ان شاء الله درست میشود . گفتم ماه محرم در پیش است در مجالس و مساجد و تکایا مردم اجتماع دارند . احتمال دارد دوباره اسباب حرفی پیش آید خوب نیست . فرمودند درست میشود . ذیحجه هم تمام شد دهه عاشورا پیش آمد . خانه بهبهانی روضه خوانی است . روزها روضه خوانها مطالب را مطرح میدارند . از هر گوشه مجلس یک نفر برخاسته نطقی و تحقیقی میکند بخصوص دوسه نفر سید یکی ابوالسادات یکی آقا سید حسین نام . روزها در منزل آقا معرکه مینمایند . هر کدام قرآن بدست گرفته گاهی این می رود منبر گاهی آن و ظلمها و تعدیات دولت و مذاکرات دستخط و اسباب چینی های بعضی مفسدین به تحریکات حاجی سید محمد پسر سید علی اکبر را بجهت خرابی در کار آقایان متخصصین زاویه مقدسه را ذکر می کنند و صدای او شریعتا ، و امحمدابلند می شود و بعضی از مردم هم در کمال معقولیت برخاسته خطاب به حجت الاسلام کرده که نتیجه آن تحصن علمای اعلام در زاویه مقدسه و صدور دستخط جهان مطاع شاهانه چه شد ؟ جناب آقا متحیر است جواب چه بگوید . میفرماید ان شاء الله درست میشود . در پنجم محرم کاغذی از هیئتی بجهت حجت الاسلام بهبهانی آمده جواب میخواهند بعد از ورود کاغذ را در منبر خواندند و همه مردم شنیدند .

صورت کاغذی که در دهه عاشورا بجهت آقای بهبهانی نوشته اند : خدمت حضرت حجت -

الاسلام آقای سید عبدالله دامت برکاته . عرض میشود قرنهای گذشته بود که اجداد عظام

ما مسلمانان اسیر ظلم بوده . دهرها رفته که آباء گرام ما گرفتار جور سالهاشمرده شده که عموم اهل ایران مبتلابه تعدیات گوناگون از قاطبه وزرا و امرا و حکام و وزیر مختارها و قنصلها و نایب قنصلها و فراسها و سربازها و سرتیپها و یاورها بوده که گویا ماها را خریدند و نه به عجز ما رحم کرده و نه بر ضعفای ما و نه بر کبار ما و نه بر زنان ما و نه بر مردان ما و نه بر جان ما و نه بر مال ما ترحم داشته اند . تا آنکه بر حسب تقدیرات الهیه و نظرات غیبیه امام عصر عجل الله فرجه جنابان عالی و علماء عظام موفق شدند در مقام جلوگیری از این اندازه ظلم و تعدی و بی اعتنائی به احکام شرعیه را بگیرند و در مدت یکسال استقامت فرموده با دولت طرف شدید از صحت مزاج ، از خواب و خوراک صرف نظر ، از شئونات و مقامات ظاهریه چشم پوشیده نه اعتنا به نوید و نه وعید و نه تهدید دولت گردید . بحمد الله جمعی از علما دیگر هم با جناب عالی هم عقیده گردیده ناچاراً " هجرت به زاویه مقدسه را اختیار کرده رفتید و نام خود را در صفحه روزگار بعدل و داد و معین مظلومان گذاریدید . مورد امیدواری عموم مردم ضعیف شدید که عموم مردم از اعلی و ادنی ، از زن و مرد ، از عالم و جاهل دعاگوی وجود مبارک هر یک بوده و میباشند و تا یک اندازه هم از بذل مال مضایقه نداشته بلکه از جانهم مضایقه ندارند منتها بر حسب حکمت قدری دوری و کناره دارند که مبادا خونریزی شود ولی جای هزار افسوس است که امیر خان سردار و سید عبد الحسین روضه خوان و حاجی میرزا لطف الله شاماها را فریب دادند ، قناعت کردید به دو حکم دستخط ملوکانه که امروز قریب دو ماه است معاودت به شهر شده و اصلاً اثری از همراهی ظاهر نیست مگر فقره عزل علاء الدوله که آنرا خودش استعفا کرده بلکه هر چه دستخط و ابلاغ بجهت او رفت در بقای حکومت قبول نکرد شب چهارشنبه ۲۱ جناب صدر اعظم بمنزل او رفته ثمر نکرد . غیر از این فقره کدام از مستدعیات شاماها اجرا شده . عزل مسیو نوز چه شد ؟ برگشتن مروی چه شد ؟ فقره تمبر کاغذها چه شد ؟ فقره عزل مستخدمین آرامنه که بجای مسلمانان گذارده بودند چه شد ؟ فقره چوب زدن مجتهد کرمان چه شد ؟ فقره تاریخی چه شد ؟ شایسته بود به ورود تهران دستخط مبارک ملوکانه را بدهند در یکی از روزنامهها درج نمایند تا عموم مردم بدانند که پادشاه قبول مستدعیات ملت را کرده است نه اینکه احتمال داده شود این اقدامات آقایان بجهت پول گرفتن بوده . حالا که گرفتند ساکت شدند .

گرام

ای آقایان عظام ، ای آقایان فخام ، ای علمای گرام تا اجرای مستدعیات شما نشود ساکت نشوید . برای بیچارگان شیراز و کرمان و اصفهان و تبریز و همدان و کرمانشاهان و قم و کاشان ضررها دارد و بر ما رحم نمیکنید بر آن بیچارهها رحم کنید . بر نوع علما رحم کنید . که نام شاماها به ننگ و بدنامی منتشر نشود که پول گرفتید ، از حقوق یک ملت صرف نظر کردید .

بر فرض در این راه اسیر و یا کشته شوید در دنیا و آخرت خوشنام هستید و اقتدا به اجداد خود کرده‌اید. در هر حال اگر دیگر به زاویه مقدسه نمی‌شود رفت در مسجد که میتوان رفت، خانه خداست، بروید مسجد جمعه احیاء بگیرید بلکه وسیله خیری پیش آید. آخر سفارتهای خارجه ملتفت هستند طرزی باشد که شرارت از کسی ظاهر نشود یقیناً "خدا ناصر شماها است از ماها است که آنچه خیر بنظر برسد عاجزانه عرض کنیم و آخر جان و مال مضایقه نداشته باشیم. دوازده روز قبل بجهت حرکت به مسجد جمعه مبلغ پانصد تومان الفاً" تقدیم داشته که اسباب معطلی نداشته باشید چون صاحبان این وجوه برای کسی خرج نمیکنند برای رضای خدا و آسایش بندگان خداست و لابد در دفتر روزگار ثبت و ضبط میشود. امید است انوار مقدس حجج اسلام بجهت آسایش مخلوق خدا صرف نظر از اقدامات صحیح خود بفرمایند تا ان شاء الله به مقصد رسند، نابرده رنج گنج میسر نمیشود. اقل عباد جمعی از مسلمانان حجج اسلام متحیرند که در جواب این کاغذ چه بنویسند. ماه محرم هم تمام شد. آثاری یادگیری از عدالتخانه ظاهر نیست مردم و وعاظ و نطائین فروگذار از این مذاکرات نمیکنند دوم شهر صفر این اعلان انتشار یافته که در واقع موجب عبرت است.

عجب بدبختی شامل حال ما مردم شده است که دچار و گرفتار دو نمره از مردم بی غیرت بی حمیت شده ایم که یکی رجال ظالم خوانخوار غدار متعدی بی شرم، بی حیای دولت و یکی بعضی از علمای طماع بی دیانت بی غیرت ملت که هیچکدام اصلاً " معتقد به خدا و رسول و مردن ثواب و عقاب و مؤاخذه الهی نیستند مثلاً " صدراعظم دولت ما که تمام اعمال و افعال و اقوال و خیالاتش باید بر حسب پختگی و دانائی و بردباری و عقل و دانش و از روی رفتار و کردار صدور سابقه باشد به لجاجت فطری و دستور العمل امیر بهادر **تبرک** احمق که غیر از ساربانان یک قطار شتر استعداد ندارد رفتار مینماید و علمای ملت ما که باید بموجب دستور العمل صاحب شریعت مطهره و ائمه اطهار و پیران عالی‌مقدار سالخورده رفتاری نداشته باشند به صلاح بینی و دستور العمل میرزا مصطفی و میرزا ابوالقاسم و پسر آقا سید عبدالله و سید محسن و سید علاء رفتار دارند که میرزا مصطفی و سید علاء از بدو عمر به هرزگی و الواطی معروف و به فسق و فجور موصوفند. در این صورت بجهت ما مردم چه نمر و چه نتیجه خواهد بود. دو سال است که علماء ملت به ملاحظه طغیان ظلم و تعدی و بی حسابی استدعای یک مجلس عدالت حقه کرده که آن مجلس حاکم بر تمام ادارات دولتی و حکومتی بوده بلکه این بی اعتدالی و ظلمها مرتفع شود. بعد از دو سال زحمت و مشقت و خسارت عموم ما مردم بیچاره نتیجه این شود که علماء را به فریب از زاویه مقدسه معاودت داده و از تدبیرات امیرخان سردار مقرر شود که میرزا مصطفی و سید علاء بهریک ماهی دو بیست و پنج تومن داده شود که دیگر اینها محرک آقایان نباشند و احدی هم از آقایان مطلع نشوند بر فرض هر کدام هم مطلع شوند

پند خواهد شد که چرا بجهت ما نبوده پس معلوم میشود که تمام این مذاکرات و اقدامات و خسارات ما مردم بجهت اینکه این دو نفر هر کدام ماهی دویست و پنجاه تومان پول بگیرند . مجلس عدالت میخواهد بشود یا نشود این علما که به ملاحظه علاقه و دل بستگی که باین خانه و عیال و دخلهای خیالی دارند اقدام مجدانه نخواهند کرد زیرا که صلاح بین هریک پسرهای اوست که هیچکدام حسن و قبح امور را نمیدانند . اگر چه جناب آقا سید محمد هنوز منصرف از اقدام نشده پس باید ما مردم در خیال اصلاح کار خود باشیم و گواهِ آهنگری پیدائیم ظلم و ستم حقارت و ذلت از این بالاتر نمیشود هیچ تصور کرده شده که در این چند شبه چه زنها ، چه ناخوشیها ، چه بچهها ، چه پولها ، چه مالها از مردم بردند . چه ظلمها ، چه تعدیات بمردم کردند . بکلی قلوب مردم را از خود قطع نمودند چون ما مردم مسلمانیم . اطاعت علما را برخود واجب میدانیم لهذا نمیخواهیم بی اذن و اجازه علما حرکتی کرده باشیم که منجر به خونریزی و قتل نفس باشد والا جزاء و سزای امیر بهادر و شاع السلطنه را دادن مطلبی نیست . والله در وقتی که در کالسکه نشسته با آن سوارها که در اطراف کالسکه میتازند ممکن است تالله در اطاق که نشسته است ممکن است تالله در بستر که خوابیده اند ممکن است تاریخ و ^{روز} نامه بخوانید تا بدانید فقره صدارت و وزراء دولت عثمانی را جویا شوید فقره نادر را یاد آورید ، فقره ناصرالدین شاه را بخاطر بیاورید ، فقره امپراطورهای دول خارجه را بنظر بیاورید جهل تا کی بلا تاکی ؟ آخر ما مخلوق خدا و رعیت شما هستیم چرا اینقدر ظلم بر ما می کنید . آخر شرف و ثروت شماها از ما است . اگر رعیت نباشد شماها پادشاه و اتابک کجا هستید . امیر بهادر پدرش رامی شناسید کی بوده . آخر چرا خود را فراموش کرده این خانه ، این پارک ، این مبل ، این اسباب ، این باغ ، این اشجار ، این اسبها ، این کالسکه ، این تفنگها را تو از فرج مادرت آورده ای یا از برکات وجود ما مردم میباشد . اگر بگوئی از فرج مادرم آورده ام بر حسب حیرت خواهد شد که عجب فرج گشادی بوده که اینهمه چنار و اشجار و وو از او بیرون آمده مسلما " راضی نخواهد شد که فرج مادرت باین گشادی باشد . پس باید منتظر شود که این ثروت و تجمل از مارعا پای بدبخت و سرسخت است که به جبر و ظلم گرفته آید . حالابه چه انصاف چرا ؟ رواست که بر ما باین شدت ظلم نمائید و یا در مجلس دربار بگوید این مردم را باید صد صد کشت . ای بی انصاف ای بی مروت چرا ؟ ای امان از صبر این علما ، ای داد از صبر این علما ، چرا حکم نمیفرمایند تا شماها را مثل سگ بکشند تا به جهنم واصل شوید .

(ادامه دارد)